

غلامحسین ساعدی

چوب به دست‌های ورزیل



مؤسسه انتشارات نگاه

«تأسیس ۱۳۵۲»

آدم‌ها:

مش غلام

محرم

کد خدا

اسدالله

مش علی

عبدالله

مش ستار

نعمت

مش جعفر

موسیو

شکارچی اول

شکارچی دوم

شکارچی سوم

شکارچی چهارم

[طرف های عصر است. مشدی غلام از کوچۀ دست راست
 جلو صحنه پیدا می شود و می آید توی میدانچه جلو سایه بان،
 دوروبرش را نگاه می کند و می رود روی سکو. دست ها را دور
 دهان می گیرد.]

مشدی غلام آهای، های های ورزیلی ها! [یک لحظه سکوت. دوباره]

آهای، های های ورزیلی ها!

یک صدا آهای، های!

از نزدیک

آهای، آهای!

چند صدا

از دور دست

[کله محرم از سوراخ خرابه بیرون می آید]

آهای مش غلام! باز چه خبرته انگاره گرفتی؟ صبح که

محرم